



در محضر بزرگان

نعمت وجود حرم امام رضا(ع) را مغتنم بشمارید

آیت ا... بهجت درباره نعمت وجود داشتن حرم مبارک امام رضا(ع) در ایران و شهر مشهد می فرمایند: حرم مطهر حضرت امام رضا(ع) نعمت بزرگ و گران قدری است که در اختیار ایرانی هاست؛ عظمتش را خدا می داند. به حدی که امام جواد(ع) می فرماید: زیارت پدرم (امام رضا) از زیارت امام حسین (ع) افضل است زیرا امام حسین (ع) را عامه و خاصه زیارت می کنند ولی پدرم را جز خاصه (شیعیان) دوازده امامی زیارت نمی کنند.» لذا کرامات زیارت ضریح آن حضرت بیشتر از ضریح امام حسین (ع) ظاهر می شود. بنابراین، ایرانی ها باید نعمت حرم امام رضا (ع) را که زیارت آن برایشان فراهم است، مغتنم بشمارند.

در محضر آیت ا... العظمی بهجت، ج ۱، ص ۳۲۸

فتو شعر



حکایت

خواجه ای که به شاعر پاداش نداد!

شاعری در ستایش خواجه ای بخیل قصیده ای گفت و برایش خواند اما هیچ پاداشی دریافت نکرد. یک هفته صبر کرد و باز هم خبری نشد. قطعه ای سرود که در آن تقاضای خود را به صراحت گفته بود اما خواجه توجهی نکرد. پس از چند روز خواجه را در شعری دیگر نکوهش کرد اما باز هم اعتنایی نکرد. شاعر رفت و بر در خانه خواجه نشست. خواجه بیرون آمد و او را دید که با آرامش خاطر نشسته است، گفت: «ای بی حیا! ستایش کردی، تقاضا کردی و سپس نکوهش کردی، هیچ فایده ای نداشت دیگر به چه امیدی در این جا نشسته ای؟» شاعر گفت: «به امید این که بمیری و مرتبه ای هم برایت بگیریم!» خواجه خندید و پاداشی نیکو به او بخشید. لطایف الطوائف

بریده کتاب

زندگی را از دور تر نگاه کن!

آرزو دوباره به تابلو نگاره کرد. کنار حوض آبی، لکه سبز و سرخی بود که اگر از دور نگاه می کردی، بوته سبزی می دیدی با گل های سرخ. اگر می رفتی از خیلی جلو نگاه می کردی، فقط لکه های سرخ و سبز می دیدی. به خودش گفت: شاید باید به زندگی از دور نگاه کنی. «به امید این که بمیری و مرتبه ای هم برایت بگیریم!» خواجه خندید و پاداشی نیکو به او بخشید. بر گرفته از کتاب «عادت می کنیم» اثر ژوویا پیروزاد

انگلیش آموزی

نویسنده: میترا اتاری، تصویر ساز: سعید مرادی



هرکسی رو می بینی در حال جنگیدن در نبرد نیست که هیچ چیزی از اون نمیدونی

اندک صبر

یادش به خیر!

از دمنوش نعنای گذشتیم از غروب در حیاط از تر اشیدن هندوانه در عصر های تابستان به تراس و ضیافت لباس های زیر پناه بردیم ما بچه های کوچ و لوش به آبدار تمان های عصبانی تبعید شدیم و خواب آن عصر تابستان گمشده ما بود پس کی فراموش می کنیم؟

سلمان ن ظافت یزدی

۳ خصلت مومن

خدمتگزار علی بن موسی(ع) بود. می گفت خودش از زبان مولایش شنیده که فرموده: «هیچ کس مومن نخواهد بود، مگر این که سه خصلت داشته باشد؛ یکی به شیوه خدایش، یکی همچون پیامبرش(ص) و خصلتی مثل ولی اش. خصلت الهی پنهان داشتن راز هایش است که خدا گفته است «او دانای نادیدنی هاست و هیچ کس را بر غیب آگاه نمی کند، مگر پیامبری که خود ببیند» و اما خصلتی که باید از پیامبرش(ص) داشته باشد، مدارا کردن با مردم است؛ که خداوند به پیامبرش امر کرده «عفو پیشه کن و به نیکی ها فرمان بده و از نادانان رو برگردان» و خصلتی که مومن باید همچون ولی اش داشته باشد، صبر در ناگواری هاست که خدامی گوید: «آنان در سختی ها صابرند.

عیون اخبار الرضا، باب ۲۶، حدیث ۹

وقتی امام(ع) یاد ما می کند

امام(ع) را که دیدیم به ایشان گفتیم: «مرا در دعا هایتان فراموش نکند.» امام(ع) فرمودند: «خیال می کنی فراموش می کنم؟» با قاطعیت گفتیم: «نه!» امام(ع) پرسیدند: «از کجا می دانی؟» مطمئن گفتیم: «چون شما همیشه شیعیان را دعا می کنید.» اما گویا ماجرا بیش تر از چیزی بود که من گمان می کردم. این بار امام(ع) فرمودند: «هر وقت خواستی ببینی چقدر یاد تو هستم، ببین تو چقدر یاد منی و من در نظرت چطورم؟» اصول کافی، ج ۴

باور نکن



ابراهیم بن عباس مدت ها بود می شناختش، می گفت: «هرگز ندیدم امام رضا (ع) با سخن کسی را قطع نمی کرد و هیچ درخواستی که در توانش بود رد نمی کرد. به نایش را پیش کسی دراز می کرد و نه وقت خندیدن قهقهه می زد. کم می خوابید و زیاده روزه می گرفت؛ صدقه پنهانی زیاد می داد، آن هم اغلب در دل شب. خلاصه اگر کسی گفت آدمی به این اندازه ارزشمند می شناسد باور نکن.»

عیون اخبار الرضا، باب ۴۴ حدیث ۷

داستانک های به مناسبت میلاد امام رضا(ع)

آشناترین غریب

توبه کن مومن!

تکیه داده بود به نیمکتی که وسط محوطه دانشگاه است و رفته بود توی خودش. طوری که اصلا متوجه حضور من نشد. از پشت بهش نزدیک شدم و محکم زدم پس کله اش و گفتم: «چرا ناراحتی مومن؟» با ناراحتی جواب داد: «مومن؟» گفتم: «آره، مگه اشکالی داره؟» گفت: «تو که نمی دونی من امروز چه کار اشتباهی کردم!» من هم گفتم: «امام رفوف مان می گوید مومن کسی است که چون نیکی می کند شاد گردد و چون بدی کند استغفار نماید.»

همین که تو ناراحتی یعنی قبول داری که اشتباه کردی، پس قدم دوم را هم، برای استغفار بردار مومن خدا.

عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۴

چپ شده؟

بلالیه... بلال



سلام. در مجموع میشه به همه شرکت کنندگان آفرین گفت چرا که خلایق شدن رو به کار گرفتند و هیچ پیامکی با موضوعات تکراری «مهدی طارمی» و «شله» برای ما فرستاده نشده بود! پارانها هم جزو موضوعاتی بود که دفعه پیش پیامک های زیادی رو به خودش اختصاص داده بود اما این بار فقط یک پیامک با موضوع پارانها داشتیم. «خوانندگی» تنها

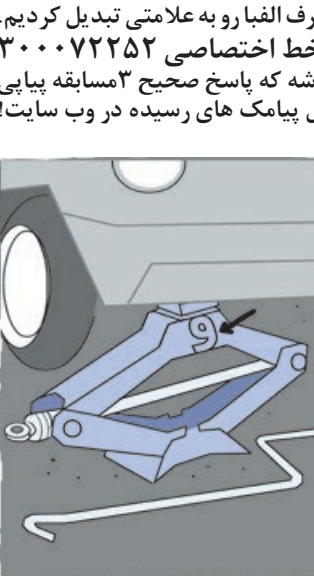
موضوعی بود که فراوانی قابل توجهی از بین پیامک های دیگر داشت که با توجه به ژست این کبوتر، منطقی هم به نظر می رسید. از این ها که بگذریم، طبق نظر ۶ داورمان با نمک ترین پیامک ارسانی تعلق می گیرد به آقای «محمدجواد حسینی» بابت پیامک «وقتی که حواست نیست و دستت می خوره به اتو»، در ادامه تعداد دیگری از پیامک های برگزیده به نظر هیئت داوران را خواهید خواند:

• وقتی که داری بالا در دست می کنی: بلالیه بلال.
• وقتی تو خنداننده شو سعی داری بدون سانسور شدن فر بدی!
• وقتی که مهمون ها میان و باید بگی خانوما طبقه بالا، مردا طبقه پایین!
• وقتی که داری قلبی می کنی و مراقب میاد بالای سرت و می گی چی شده آقا؟
• وقتی به مسئول ستون «چی شده؟» اعتراض می کنی و می گی چرا «چی میگه؟» رو تغییر دادین به «چی شده؟» چون «چی میگه؟» خیلی با مزه تر و بهتر بود.
• وقتی که زیر دوش حموم حس می کنی خوش صدارترین خواننده اپرا هستی.
• وقتی که ازت نشانی می پرسن و بلد نیستی والکی میگی از این ور!
• وقتی سرباز وظیفه شناس راهنمایی و رانندگی سر چهارراه ایستاده!

مرور خاطرات خفن استریپی!

سلام. به خبر توووو دارم برای شما که این مسابقه باعث شده خفن بازی توی روح و روان تون طوری اثر بذاره که اگه چند روز ازش دور بمونین، انگار چیزی گم کردین و همش کلافه هستین. بله با شما هستم! خبر دارم که تا این درجه به خفن استریپ وابسته هستین. خب نگران نباشین چون این وابستگی از اون مدل وابستگی های بدبد نیست! این وابستگی به تخت بیندن تون! این وابستگی به وابستگی سالم و مثبتیه! ولی خب به هر حال وابستگی محسوب میشه و دردهای خاص خودش رو داره. برای تسکین این درد غیر از دوشنبه و پنج شنبه ها که خفن استریپ منتشر میشه چیکار می شه کرد؟! میشه مسابقه های قدیمی رو مرور کرد. حالا چه جوری؟! این جور ی: موبایلتون رو بردارین و تشریف ببرین توی تلگرام، توی گزیننه دره بین بزنین @khafanstrip فعلا!

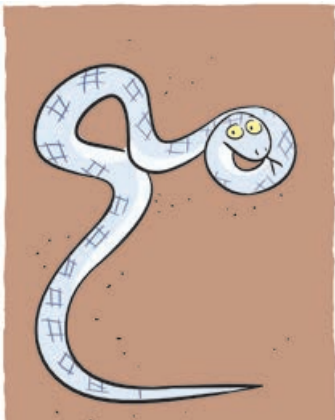
1sargarmi.ir



{ = - (-



(! * ÷ -)



(* ÷ × ÷

دی روزنامه

سقف را بشکافیم

مدیرعامل صندوق بازنشتگی کشوری خبر از پرداخت وام ازدواج بدون نوبت تا سقف ۱۰ میلیون تومان به بازنشتگان داده است. طبیعی است که منظور فرزندان بازنشتگان است، نه خودشان که اگر منظور آقای مدیر پرداخت وام ازدواج به خود بازنشتگان بود، سنگ روی سنگ بند نمی شد! همیشه این اصطلاح «تا سقف فلان» در خبرها را دوست دارم چون دانمک است و جای کار زیادی دارد. مثل اینترنت نامحدود که تا سقف فلان قدر می شود ازش استفاده کرد و از سقف که بزند بیرون باید فلان قدر پول اضافه داد. یا تعیین تکلیف سپرده گذاران فلان موسسه مالی تا سقف فلان که بیشتر مواقع آن سقف ها حتی به کف سپرده های مال باخته ها هم نمی رسد. یا پرداخت خسارت بیمه ها تا سقف فلان که در حد خش گیری سیر با نوک قلم مو است! ولی خوبی این وام این است که بدون نوبت است. معنی دقیقش را نمی دانیم ولی حدس می زنیم منظور این است که نیازی نیست فرزندان بازنشتگان برای ثبت نام در نوبت قرار بگیرند و بدون نوبت ثبت نام می کنند و بعد از آن به ترتیب ثبت نام، بهشان وام می دهند. یعنی نوبتی نیست، ولی ترتیبی است! شاید هم این طور نباشد و هر که از راه رسید و بدون نوبت رفت توی صف جا زد و ثبت نام کرد، همان جا وامش را می گذارند کف دستش تا برود سر خانه و زندگی اش و آن هایی که توی نوبت هستند همان جا بمانند تا یک روزی نوبت شان برسد! ولی نکته مهم این خبر این است که چرا از بین فرزندان این همه مشاغل گوناگون در کشور، فقط فرزندان بازنشتگان شامل این وام بدون نوبت می شوند. آن هم شاید به این دلیل که فرزندان بازنشتگان با سیستم زندگی بازنشتگی آشنایی کامل دارند و بعد از ثبت نام وام، منتظرش نمی مانند و بدون اتکا به آن زندگی شان را شروع می کنند تا هر وقت بدون نوبت، نوبت شان رسید، وام را بگیرند. حتی خودشان را حاضر می کنند که این وام بدون نوبت بازنشتگی والدین شان، در دوران بازنشتگی خودشان نصب شان شود و بدهند به فرزندان شان! علیرضا کاردار

ماوشما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

• در پرونده زندگی سلام درباره خداحافظی با پراید جای فولکس قورباغه ای خالی بود.

یونس ترکمن

• در قسمت دور دنیا اون خبر رقصنده های مرگ اگر در هنگام نمایش در تابوت را باز کنن حتما می بینن که مرده ها زنده شدن و آن ها هم می خواهند به اجرای مراسم کمک کنند!

• زندگی سلام خیلی خوبه! از شما تشکر می کنم. زینب محمدزاده، ۷ ساله، مشهد
• از نویسنده ستون «خودمونی» دوشنبه که درباره خون آشام های دنیای ما نوشته بودند، خیلی متشکرم. دقیقا کسانی رو توصیف کردین که سال هاست باهاشون مثلاً رفیقم؟!
ج. ش
• آقای حکاک، نویسنده ستون خودمونی، با توجه به اختلاف سلیقه های افراد به نظرم حرف تون درست نیست. شاید من از یک جا خوش بپا، یکی دیگه بره و بدش بیاد. این جور ی پیشنهاد دادن به نظرم همیشه درست نیست. پیشنهاد ندیم بهتره.
• تشکر می کنم به خاطر راهنمایی که هفته قبل برای مسابقه «این اینه؟»، شرمنده منظورم همون «این کیه؟» است انجام ندادید. ان شاء... این هفته و هفته های آینده هم راهنمایی میکنم، اشکم درمیا، عشق یعنی ترس از دست دادن تو! از طرف پدرت محمدعلی، طیس گلشن